وکیل شرق

تعیین حق‌الوکاله

سعید دهقان

بیژن الف. از تهران: آیا حق‌الوکاله پرونده‌های دادگستری جایی مشخص شده است؟ من بارها شنیده‌ام و اخیراً هم در تلویزیون و روزنامه‌ها دیدم که حق‌الوکاله‌ها تغییر کرده یا قرار است تغییر کند. نمی‌دانم قیمت‌هایی که وکلا برای وکالت پرونده‌ها می‌گویند منطقی و مناسب است یا نه؟

وکیل شرق: در خیلی از پرونده‌ها آنچه به عنوان قرارداد حق‌الوکاله میان وکلا و موکلانشان تنظیم می‌شود، هم مطابق تعرفه قانونی است و هم منطقی. آیین‌نامه تعرفه وکلای دادگستری سال ۱۳۷۸ تصویب شده است، هرچند گفته می‌شود که بدون دخالت و هماهنگی وکلا تنظیم و ابلاغ شده است، لیکن در حال حاضر برای وکلا معتبر و قابل استناد است. حق‌الوکاله‌ای که میان طرفین توافق، تنظیم و اجرا می‌شود به‌طور قطع بر اساس منطقی است که میان طرفین اعلام و اعمال شده است. شخصاً در خصوص تغییر حق‌الوکاله‌ها و و یا زیاد و زیادتر شدن آن اظهارنظر نمی‌کنم. معتقدم باید در این زمینه کار کارشناسی شود ولی به نظر می‌رسد که رویه حاکم قابل دفاع است، به‌خصوص وقتی که می‌دانیم در یک پرونده هرگاه طرف دعوی محکوم شود، باید هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل را نیز پرداخت کند. بنابراین وجود حق‌الوکاله توافقی، تعرفه یا هر آنچه که منطق حکم می‌کند را در این گونه موارد ضروری دانسته و حتی تصور می‌کنم موجب کاهش دعاوی بی‌مورد، ایذایی و غیرحقوقی هم خواهد شد، چرا که هر طرف دعوی وقتی بداند در صورت طرح دعاوی بی‌مورد و محکومیت احتمالی مجبور است هزینه‌های دادرسی طرف مقابل و نیز حق‌الوکاله او را بپردازد، علی‌الاصول از این تصمیم صرف‌نظر می‌کند. اخیراً هم این بحث مطرح شده است که با کم کردن حق‌الوکاله مراجعه مردم به وکیل آسان‌تر می‌شود. در حالی که با توضیحات فوق‌الذکر گمان نمی‌کنم بحث‌های اخیر تاثیری در روند مراجعه مردم به وکیل داشته باشد کما اینکه در پاره‌ای از اوقات حرف‌هایی از این دست می‌تواند تاثیر منفی و ناعادلانه به همراه داشته باشد. مثلاً وقتی گفته می‌شود «در پرونده‌های مالی حداکثر حق‌الوکاله وکلا ۲۰ میلیون تومان است»، این روش خواسته یا ناخواسته به نفع افرادی است که از وضعیت مالی بهتری برخوردارند چرا که آنها در پرونده‌های ۱۰۰ میلیون تومانی یا ۱۰ میلیارد تومانی یا بیشتر حداکثر مبلغ ۲۰ میلیون تومان حق‌الوکاله می‌دهند. اما شهروندانی هم که از تمکن مالی بالایی برخوردار نیستند، اما خواسته بحقی بسیار کمتر از این مبالغ را دارند بایستی به تناسب این سقف مبلغ قابل توجهی بپردازند. از این رو تصمیمات مقطعی و عجولانه از این دست نه‌تنها در اجرای عدالت و ایجاد علاقه‌مندی در مردم برای مراجعه به وکیل کمکی نمی‌کند بلکه حتی فشاری مضاعف بر شهروندان متوسط‌الحال (با موقعیت مالی متوسط) بوده و باعث ایجاد بدبینی نسبت به جامعه وکلا خواهد شد. بدیهی است باید هرگونه اتخاذ تصمیم در زمینه ضوابط مربوط به تعیین حق‌الوکاله‌ها با مشورت صنف وکلا از طریق کانون‌های وکلای دادگستری باشد و تصمیم‌گیری دراین‌باره توسط مراجع، مقامات و افراد دیگری نه به لحاظ منطق حقوقی و رعایت اصل تخصصی بودن این حرفه مهم حقوقی قابل دفاع نیست همچنان که در مشاغلی نظیر پزشکی نیز تعرفه خدمات درمانی، هرگز بدون مشورت یا هماهنگی پزشکان یا سازمان نظام پزشکی تعیین نمی‌شود. این یادآوری مهم ضروری است که با توجه به الزامی شدن طرح بسیاری از دعاوی در دادگستری توسط وکلا و توقعی که برای مراجعه تعداد بیشتری از شهروندان به وکلا ایجاد شده است، به طور طبیعی حق‌الوکاله‌ها تعدیل و با موضوع کار وکیل و خواسته موکل (متقاضی کار وکیل) متناسب می‌شود. همچنان که در بسیاری از کشورها ایمن‌گونه است. نباید فراموش شود که حق‌الوکاله، دستمزد پایه وکیل است که برای انجام کاری که به اصطلاح موضوع وکالت است باید به او پرداخت شود. یعنی حق‌الزحمه فعالیت وکیل برای پیگیری یک پرونده، دفاع شفاهی و کتبی از حقوق موکل و اقدامات مرتبط با آن است. اما شامل هزینه خدمات و عوارض دولتی مثل هزینه دادرسی، تمبر دادگستری برای دعاوی، تهیه اسناد و مدارک و تکثیر آن یا هزینه رفت و آمد و مسافرت وکیل برای انجام آن کار نمی‌شود و باید اینها جداگانه محاسبه و دریافت شود. علاوه بر این پرداخت حق‌الوکاله وکیل مشروط به دستیابی به نتیجه مورد نظر موکل (که به وکیل وکالت داده است) نیست زیرا هم قانون و هم منطق حکم می‌کند که وکیل ضامن نتیجه نبوده و به اصطلاح حقوقدانان «تکلیف وکیل شرط به فعل است نه شرط نتیجه.» چرا که او از تمام دانش، تجربه و توانایی خود برای انجام موضوع وکالت استفاده می‌کند و ضمانت اجرای تعهد او «اخلاق حرفه‌ای» و ضوابطی است که از تقصیر وکیل چشم‌پوشی نمی‌کند.

Vakilroaya@gmail

ابهام‌های جرم مطبوعاتی در قوانین ایران

لزوم رفع ابهام از تعریف جرایم مطبوعاتی

بابک فرهی*

قبل از بررسی جرایم مطبوعاتی ذکر این نکته لازم است که طبق تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات (الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰) مسئولیت مدیر مسئول در مورد مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم مداخله داشته‌اند نیست. پس مطابق قانون کنونی در هر جرم مطبوعاتی حداقل دو مرتکب وجود دارد: نویسنده و مدیر مسئول.

■ **اول- جرایم علیه ارزش‌های مذهبی**

الف- توهین به مقدسات

بند هفت ماده شش قانون مطبوعات اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن را جرم دانسته است. همچنین ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز توهین به مقدسات اسلام را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. طبق این ماده مجازات توهین به مقدسات چنانچه مشمول حکم ساب النبی (توهین کننده به پیامبر یا ائمه) باشد اعدام وگرنه حبس از یک تا پنج سال است. آنچه در این جرم دارای ابهام است همان عنوان «مقدسات اسلام» است که ممکن است باعث برداشت‌های شخصی و ناروا شود. بنابراین دادگاه باید در تشخیص مقدسات اسلام نظر صاحب‌نظران دینی را جلب و به عرف نیز توجه کند. ماده ۲۶ قانون مطبوعات نیز مقرر داشته است: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با او رفتار خواهد شد.» ذکر این نکته ضروری است که چون در قانون مجازات اسلامی جرم خاصی به‌عنوان ارتداد پیش‌بینی نشده است صدور حکم به ارتداد برخلاف اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی بوده و در حال حاضر منتفی است.

ب- نشر مطالب الحادی

بند یک ماده شش قانون مطبوعات نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی را نیز جرم و مجازات آن را همان مجازات نشر اکاذیب دانسته است. تشخیص الحادی و یا خلاف اسلام بودن نیز به عهده دادگاه است اما بدیهی است که هر مطلب الحادی خلاف اسلام هست اما هر مطلب خلاف موازین اسلامی الزاماً الحادی نیست.

■ **دوم - جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**

الف - انتشار اسناد محرمانه دولتی

بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را جرم توصیف کرده است اما مشخص نیست که چه سندی محرمانه است.

ب - انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی

مجازات انتشار این مذاکرات غیرعلنی نیز همان مجازات نشر اکاذیب است.

ج - انتشار مذاکرات جلسات غیرعلنی محاکم دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی

هر چند قبل از اصلاح قانون مطبوعات هم چنین ممنوعیتی وجود داشت اما چون موضوع برای تعیین مجازات به قانون تعزیرات احاله شده بود و در قانون تعزیرات این عمل جرم شناخته نشده بود، مرتکب قابل مجازات نبود. بعد از اصلاح قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹، این عمل نیز مستوجب مجازات جرم نشر اکاذیب است.

د- انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی

عفت عمومی نیز از مواردی است که تعریف مشخصی ندارد و می‌تواند موجب تفاسیر گوناگونی شود. اما با توجه به کلمه عمومی نباید اعمالی را که ممکن است مخالف ارزش‌های گروه‌های خاص و کوچکی باشد از مصادیق این مورد دانست. بلکه باید اعتقادات اکثریت مردم جامعه و عرف را در نظر گرفت.

هـ- توهین به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید

به موجب ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی، توهین به مقام رهبری مستوجب حبس از شش ماه تا دو سال بوده و مرجع رسیدگی به این اتهام نیز دادگاه انقلاب است. ولی حضور هیات منصفه الزامی است. در مورد توهین به مراجع قانونی خاص وجود ندارد. توهین نیز طبق نظر مجلس عبارت است از: «به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و در نظرگرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان گردد.»

و - تحریک به جرایم علیه امنیت کشور

طبق ماده ۲۵ قانون مطبوعات هر کس مردم را به وسیله مطبوعات صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت ملی یا سیاست خارجی کشور تحریض و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود به مجازات معاونت در همان جرم محکوم و اگر اثری بر آن مترتب نشود طبق قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ن - تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی

طبق ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. درباره این جرم نیز استفاده از عبارات (به هر نحو)، (نظام جمهوری اسلامی) و (مخالفین نظام) که در قانون تعریف شده‌اند و قابل تفسیر به رای هستند، دارای اشکالات زیادی است و با توجه به مرام فکری و سیاسی مفسر، قابل تفسیر است. برخی از حقوقدانان در این مورد معتقدند با توجه به کلمه فعالیت، نوعی استمرار در تبلیغ لازم است و صرف یک بار تبلیغ را نمی‌توان فعالیت تبلیغی دانست.

ل - انتشار نشریه بدون پروانه

طبق ماده ۳۲ قانون مطبوعات، هر کس در نشریه‌ای خود را بر خلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد.

م- ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی این مورد نیز جرم دانسته شده و مجازات نشر اکاذیب برای آن مقرر شده است. تشخیص اینکه به چه موضوعی اختلاف مابین اقشار جامعه گفته می‌شود با مقام قضایی رسیدگی کننده است. اما در هر صورت نباید مسائل جزیی را اختلاف بین اقشار جامعه تلقی کرد چون اختلاف سلیقه در همه جوامع امری است عادی و معمولی و کمتر جامعه‌ای هم وجود دارد که تمامی افراد آن از یک قوم و نژاد باشند.

■ **سوم- جرایم علیه حقوق اشخاص**

الف- توهین به اشخاص

توهین به معنای عام کلمه هر سخن یا حرکتی است که باعث تخفیف و خوار کردن افراد شود. توهین انواع گوناگونی دارد. در مفهوم عام توهین شامل افترا، هجو قذف (دادن نسبت زنا یا لواط) نیز می‌شود. اما در مفهوم خاص توهین با توجه به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۰ قانون مطبوعات عبارت است از فحاشی و استعمال الفاظ رکیک. در مورد توهین به اشخاص حقوقی بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد و اغلب آنها معتقدند که توهین باید نسبت به شخص حقیقی باشد و نسبت به اشخاص حقوقی مثل ادارات توهین محقق نمی‌شود. در هر حال توهین باید صریح و ظاهر باشد و با عدم ظهور، الفاظ توهین تلقی نمی‌شود.

ب- افترا

برای تحقق افترا اولاً: شرط است آنچه که به دیگری نسبت داده می‌شود جرم باشد. ثانیاً: این نسبت دادن صریح باشد یعنی بر جرم خاصی دلالت کند. پس اگر کسی به دیگری بگوید مجرم، مرتکب جرمی نشده است. ثالثاً: نسبت دادن باید برخلاف واقع باشد یعنی فردی که جرم به او نسبت داده شده واقعاً جرم موردنظر را مرتکب نشده باشد و رابعاً: مرتکب باید عمداً و با خواست خود جرم را به دیگری نسبت دهد. در صورت فقدان هر یک از این شرایط ۴گانه افترا محقق نمی‌شود.

ج- نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر و تشویش اذهان عمومی

در قانون مطبوعات جرمی به نام نشر اکاذیب وجود ندارد و عنصر قانونی این جرم ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی است. مطابق این ماده: هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضا یا بدون امضا، اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به‌عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی نسبت دهد - اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه- علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود. شرط است که اکاذیب یاد شده با یکی از وسایل ذکر شده یعنی نامه، شکوائیه و... منتشر شده باشد. یعنی کتبی باشد و بیان شفاهی اکاذیب جرم نیست. از دیگرسو چنانچه اظهارات بیان‌شده یا اعمال نسبت داده شده کذب نباشد، هر چند باعث تشویش اذهان عمومی شود، جرم نخواهد بود.

د- سرقت ادبی

طبق تبصره ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات: سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل‌توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه.

■ **نتیجه**

با وجود پیروی از نظریات نوین در قانون اساسی که مطابق اعلامیه حقوق بشر و برگرفته از رأفت اسلامی است، همیشه کسانی بوده‌اند که به بهانه‌های مختلف با تدوین قوانین سخت‌گیرانه به مقابله با آزادی قلم پرداخته‌اند. البته هیچ تردیدی نیست که باید قانونگذار جلوی استفاده مجرمانه از مطبوعات را بگیرد. اما توسعه عناوین جرایم و جرم‌انگاری هر تخلف کوچکی شایسته قانونگذار نیست. آنچه بیش از همه در قانون فعلی دیده می‌شود، مبهم بودن عناوین مجرمانه است که موجب تفسیر به رای می‌شود. عباراتی نظیر: تبلیغ علیه نظام، توهین به مقدسات، نشر مطالب الحادی، انتشار مطالبی علیه اصول قانون اساسی، استفاده ابزاری از افراد، تبلیغ تجملات نامشروع، تحریک به ارتکاب اعمال علیه امنیت و حیثیت و منافع جمهوری اسلامی.... همه عباراتی مبهم و کشدار هستند که به راحتی به قاضی اجازه می‌دهند تا قانون را آن گونه که می‌خواهد تفسیر کند. یعنی همان قدر که ممکن است فردی به راحتی تبرئه شود به همان راحتی هم می‌توان او را محکوم کرد. همچنین برخی موارد دیگر مثل لازم‌الاتباع دانستن مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات و حتی تعطیلی موقت نشریه در صورت تخلف از آن، در تعارض صریح و آشکار با اصل آزادی مطبوعات است. بنابراین شایسته است که قانونگذار عناوین مجرمانه را به صورت صریح و واضح مشخص کند تا هم اصحاب مطبوعات با اطلاع دقیق‌تر از آن کار حرفه‌ای خود را انجام دهند و هم از تفسیرها و برداشت‌های ناروا و گوناگون جلوگیری شود.

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

خلاصه مقاله

۱- آنچه پیش از همه در قانون مطبوعات کنونی دیده می‌شود، مبهم بودن عناوین مجرمانه است که موجب تفسیر به رای می‌شود.

۲- چون در قانون مجازات اسلامی جرم خاصی به‌عنوان ارتداد پیش‌بینی نشده است صدور حکم به ارتداد برخلاف اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی بوده و در حال حاضر منتفی است.

۳- نباید اعمالی را که ممکن است مخالف ارزش‌های گروه‌های خاص و کوچکی باشد از مصادیق «خلاف عفت عمومی» دانست.

۴- در جرم تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی عبارت «مخالفین نظام» در قانون تعریف نشده و قابل تفسیر به رای است.

خبرها

فقدان قانون خاص برای اجرای آزمایشی قوانین

ایسنا: یک فوریتی بودن طرح تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی اواخر هفته گذشته در جلسه علنی مجلس به تصویب رسید. دلایل ارائه این طرح، اتمام مهلت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی و ضرورت تداوم آن جهت استفاده محاکم در رسیدگی‌ها به دعاوی کیفری و اعمال مجازات نسبت به مجرمین عنوان شده است. در این خصوص عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی معتقد است: قانون مجازات اسلامی دارای ایرادات و اشکالات زیادی است و دیگر توانایی مقابله با گستردگی جرایم را ندارد. دکتر محمد علی اردبیلی در ارزیابی از تصویب یک فوریت طرح تمدید یک‌ساله اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی گفت: برای تمدید قوانین به صورت آزمایشی قوانین خاصی پیش‌بینی نشده است و ممکن است یک قانون در فرصت‌های متعدد برای یک‌سال، ۵ سال و حتی ۱۰ سال تمدید شود. وی با بیان این که قوانین کیفری جز در موارد استثنایی مانند قانون جرایم نیروهای مسلح یا قانون تعزیرات، عموماً از بدو انقلاب به صورت آزمایشی تصویب شده‌اند، اظهار داشت: بهتر است قانون مجازات اسلامی برای به تصویب رسیدن در مجلس به شور گذاشته شود زیرا این قانون عاری از اشکال نیست و ایرادات عدیده‌ای که بعضاً در مجلس پنجم و ششم سعی کردند تکمیل کنند نشان دهنده این اشکالات و ضرورت بازنگری و اصلاح در این قانون است. این استاد دانشگاه اظهار داشت: تصور نمی‌کنم در فرصت کمی که از سال ۸۵ باقی مانده مجلس بتواند قانون کتاب اول تا پنجم قانون مجازات اسلامی را به تصویب برساند اما اگر قوه قضائیه در این خصوص کمی شتاب کند شاید بتواند پیش‌نویس جدید را به عنوان لایحه قضایی تقدیم مجلس کند و در آنجا به شور گذاشته و به عنوان یک قانون قطعی آن را به اجرا درآورد.

اعزام متهم بدون اخذ تامین از طرف مرجع نایب به مرجع نیابت‌دهنده خلاف قانون است

ایسنا: اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در پاسخ به سئوالی با این مضمون که آیا اعزام متهم بدون اخذ تامین و به صورت تحت‌الحفظ از طرف مرجع نایب به مرجع نیابت‌دهنده خلاف موازین قانونی نیست، عنوان کرده است: با توجه به ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اعزام متهم یا متهمان بدون اخذ تامین و به صورت تحت‌الحفظ از طرف مرجع نایب به مرجع نیابت‌دهنده خلاف موازین قانونی است زیرا به موجب ماده ۱۳۲ قانون مرقوم قاضی پس از تفهیم اتهام به متهم مکلف به صدور قرار تامین است و در صورتی که حداکثر ظرف ۲۴ ساعت اقدام به تحقیق و نتیجتاً اخذ تامین از وی نکند و متهم را بدون صدور قرار تامین به شرحی که در استعلام آمده، تحت‌الحفظ اعزام نماید و متهم پس از ۲۴ ساعت تحت‌الحفظ باشد نه‌تنها خلاف موازین قانون عمل کرده بلکه مرتکب جرم هم شده است.

قابل توجه مرغداریهای مادر و اجداد
کارخانه جوجه کشی واقع در بهترین منطقه گیلان
با ظرفیت ۱۸ میلیون در سال
با مدرن ترین تکنولوژی روز دنیا آماده مشارکت یا اجاره
۰۲۱-۴۴۳۰۹۶۰۸

آگهی فراخوان برای مناقصه
شماره ۳۰-۸۵

شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو) در نظر دارد، عملیات اجرایی روسازی و ریل گذاری قسمتی از خط ۵ متروی تهران حد فاصل ایستگاه گلشهر تا تعمیرگاه مهرشهر و همچنین احداث کانال پیش ساخته بتونی انتقال کابل علائم و مخابرات و فونداسیون پایه‌های سیستم برق بالاسری، را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید.

هزینه اجرای کار بر اساس فهرست بها، راه و باند سال ۸۵ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و اقلام خاص ریل گذاری حدود ۲۱ میلیارد ریال برآورد شده است.

مشاور: مهندسین مشاور رهساز طرح

محل کار: مهرشهر

مدت اجرا، کار: ۳ ماه

شرکت های واجد شرایط که بایستی دارای تخصص ریل گذاری و روسازی راه آهن و دارای تجهیزات لازم بوده و کارهای مشابه را انجام داده باشند می‌توانند تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۸۵/۵/۱۱ با معرفی نامه به دفتر مهندسین مشاور رهساز طرح واقع در تهران، خیابان پالیزی، خیابان بیست و دوم، پلاک ۱۶، شماره تلفن های: ۸۸۵۱۴۷۲۶ و ۸۸۷۶۲۶۳۹ مراجعه و نسبت به دریافت اسناد ارزیابی توان اجرایی پیمانکاران اقدام نمایند.

روابط عمومی و بین الملل شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو)